

اندکی تعامل سازنده با عمر سعد! | روش



منطق مولای ما امام حسین علیه السلام، عدم سازش با کدخدا بود، حتی به قیمت درگیر شدن در جنگی بی رحمانه و خونین با کدخدا و عواملش. منطق مولای ما - آن چنان که خود می فرمایند - ترجیح مرگ با عزت بر زیست ذلت بار در سایه کنار آمدن با کدخدا بود. مولای ما عاقبت اندیش نبود، عاقبت اندیش بود. مولای ما اگر می خواست چرخ زندگی اهلش بچرخد، برای آن بود که نگذارد چرخ دنده های ظالمانه نظام استکبار بچرخد و مردم را له کند؛ نه این که خواهش آن را داشته باشد که کدخدا او را هم وارد بازی تلخ چرخ دنده ها کند. مولای ما از قرآن می گفت، نه این که زیرچشمی از روی متن هایی که کدخدا نوشته، بخواند. مولای ما مذاکره می کرد، اما برای اتمام حجت، نه برای رسیدن به توافق برد - برد با یزید و ابن زیاد. مولای ما وارد مذاکره شد تا نگذارد عوامل کدخدا مردم را به زور به جهنم ببرند و وقتی مطمئن شد که مذاکره دیگر نتیجه ای ندارد، قهرمانانه از آن بیرون کشید. مذاکره مولای ما برای دعوت به حق بود، نه برای تعامل سازنده. مولای ما به ما یاد داد هنگامی که فرماندهان لشکر حق، مرعوب کثرت اهل باطل نباشند، کار به صلح حسنی کشیده نخواهد شد. راستش را بخواهید، مولای ما همواره اندوه برادرش را داشت، اندوه این که دوستان سست عنصر به صلح مجبورش کردند.